معامله اتهامی در حقوق آنگلوساکسون
با نگرشی در حقوق کیفری ایران

حسین قنبری *

پیش گفتار

از گذشـــته‌های دور، انســـان ها برای رفع نیازهای مختلف خود به «داد و ستد» یا «معامله» روی آوردند و این امر، از دیرباز در جوامع مختلف رواج داشـــته اســـت؛ انســـان ها از طریق داد و ستد، آنچه نیاز داشـــتند به دست می‌آوردند و در مقابل، آنچه را طرف دیگر معامله نیاز داشـــت، برایش فراهم می کردند؛ بنابراین، «دادن و گرفتن» به عنوان یک اقدام اساسی برای رفع نیازها، به شکل یکی از لذت‌بخش‌ترین تاسیســـات و ابداعات جوامع انســـانی درآمد و به بقاء و رشد خود در روابط انسان‌ها ادامه داد.

امروزه هم، چیزی که ســـود و نفعی برای طرفین معاملـــه ایجاد کند، می‌تواند با شـــرایطی، موضوع معامله باشد مثلا معامله بر سر یک اتهام ! معامله اتهامی "plea Bargaining" به عنوان شـــیوه‌ای برای راهبرد قراردادی شدن حقوق کیفری، در یک نگاه دوراندیشانه، تاســـیس جالبی است که معاملات را به حیطه آیین‌دادرسی کیفری نیز کشانیده است تا بهتر بتواند از مزایای داد و ستد ـ که بشر همواره از آن بهرمند می شـــده اســـت ـ در این حیطه و بعد زندگی انسانی نیزبه کار گرفته شود. بزرگ‌تریـــن مزیت نهاد معامله اتهامی، کاهش تراکـــم پرونده‌ها در مراحل مختلف دادرســـی و در نتیجه آن کاهش حجم کاری پلیس، مقـــام تعقیب کننده، قضات، کاهش جمعیت زندانیان و... است.

* وکیل پایه یک دادگستری و دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی

مبحث اول: معامله اتهامی درحقوق کیفری ایران:

دراین نوشـــتار، پس از ارایه تعریف معامله اتهامی، افراد ذی مدخل در آن، مزایا و معایب آن و مشکلات حقوق ایران برای پذیرش نهاد مذکور، سخن به میان می‌آید.

گفتار اول) مفهوم و تعریف معامله اتهامی

اصطلاح "plea Bargaining" از ترکیب دو کلمه "plea" به معنی درخواســت، دادخواست، دفاع، دفاعیه، عرضحال، مدافعه و "Bargaining" به معنای داد و ستد، معامله، توافق، مذاکره کردن، چانه زدن و تعهد متقابل می‌باشــد. (مشــیری، ۸۶، ج۱، ص۲۲۹ plea Bargaining را plea Negation و Plea Agreement هم می‌گویند که ناظر به نوعی توافق دوســویه بر سراتهام می‌باشد یعنی معامله‌ای با موضوع اتهام.

از نظــر تاریخچه معامله اتهامی در ایالات متحده، نشــانه‌های این نهاد تقریبا در تمامی موارد تعقیب که جنبه فوری و اضطراری داشــته باشــد تا قرن ۱۹ مشاهده می‌گردد. ســیطره قضات بر صدور احکام مجازات در ابتداء باعث می‌شد که معامله اتهامی محدود به مواردی باشــد که مقام تعقیب، میزان مجازات متهم را که حاصل معامله اتهامی بود، از پیش تعیین می‌کرد؛ خواه به دلیل مشــخص بودن مجازات و ثابــت بودن آن و یا محدود بودن میزان آن. امــا در واقع، در اواخر قرن ۱۹ بود که بر اثر کثــرت و تراکم و بازتاب اجتماعی پرونده‌های مصدومیت و جراحات وارده به کارگران در مراکز صنعتی (حفظ منافع و تعادل بین ســرمایه و نیروی کار) قضات مجبور به پذیرش و احترام به معامله‌ای بودند که مورد قبول طرفین/ متهم و حکام تعقیب قرار گرفته بود.

معامله اتهامی قراردادی اســت فی مابین مقام تعقیــب کننده و متهم که هر دو طرف ملزم به رعایت آن هستند و مفاد آن عبارت است از این که در صورت اعتراف متهم به جرم، یا کیفیات، آن نادیده گرفته می‌شود. برای مثال سرقت مقرون به آزار و اذیت، ســرقت ساده یا شروع به سرقت تلقی می‌شــود یا سایر اتهام‌های وارده به متهم نادیده گرفته می‌شود و فقط به جرم اعتراف شده رسیدگی می‌شود.

بنابراین می‌توان معامله اتهامی را شیوه‌ای دانست که طی آن، متهم این فرصت را

می‌یابد کـــه از مجازاتی کمتر از آنچه قاضی برای او در نظر خواهد گرفت برخوردار گردد. البته ذکر این نکته لازم است که دادگاه در رسیدگی به جرمی که در مورد آن معامله اتهامی یعنی مذاکرات پیش از محاکمه صورت گرفته اســـت، ملزم به اعمال تخفیف نیست.

تفـــاوت این نهاد را با پذیرش بزه کاری می‌توان در این نکته دانســـت که در نهاد پذیرش بزه کاری، پس از اقرار به مجرمیت، پرونده مختومه می‌شود لیکن در معامله اتهامی، نوع اتهامات تغییر یافته یا این که تعداد اتهامات و یا میزان مجازات کاهش می‌یابد ولی پرونده مختومه نمی‌شـــود. همچنین در پذیرش بزه کاری، مقام تعقیب موظف به مختومه نمودن پرونده است اما در معامله اتهامی، مقام تعقیب می‌تواند از اجرای قرارداد خود با متهم خودداری کرده و تعقیب را ادامه دهد.

معامله اتهامی یا چانه‌زنی در اتهام برخاســـته از نظـــام حقوقی کامن لا و به طور ویژه امریکاســـت که برپایه آن دادستان و متهم بر سر اتهام و پیامدهای پذیرش آن گفتگو و سازش می‌کنند.

معامله اتهامی اگرچه نهادی است که به دلیل زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... در نظام‌های حقوقی خاص شـــکل گرفته است، اما از آنجا که این نهاد به دنبال اجرای بهتر عدالت، راه کارهایی به ســـود متهـــم، جامعه و بزه دیده دارد، در رویکرد تعمیم‌گرایی، ماهیت معامله اتهامی به گونه‌ای اســـت که این نهاد قابلیت تعمیم به نظام‌های حقوقی دیگر از جمله نظام قضایی ایران را دارد.

نهاد چانه‌زنی در اتهام، توان آن را دارد که به طور پررنگ، سود فرد، جامعه ودولت را بـــرآورده کند. ســـود متهم به طور مادی در پذیرش عنـــوان بزه‌کارانه کوچکتر یا تحمل کیفر ســـبک تر فراهم می‌شود و به طور معنوی با پذیرش بزه‌کاری، شکوه و کارکرد نظام عدالت کیفری در ذهنش استوار می‌شود که فرجامش بیشتر به سمت تکرار نشدن بزه از سوی فرد خواهد بود.

اما ســـود جامعه از سود فرد بیشـــتر اســـت؛ جامعه از رهگذر این معامله به طور گسترده‌تری به آمار جنایی واقعی دست می‌یابد و از این راه علت شناسی انجام بزه و راه کارهای پیش گیری از آن به طور چشـــم گیر فراهم می‌شـــود. سود دولت نیز

در کاهش انباشـــتگی پرونده‌های کیفری و هزینه‌های اقتصادی فرایند کیفری نمود می‌یابد.

گفتار دوم) اشخاص تاثیرگذار در معامله اتهامی

دادستان و متهم دو بازیگر اصلی چانه‌زنی در اتهام اند. به راستی، سازش باید میان دادستان و متهم انجام گیرد تا پیامدهای آن در فرایند رسیدگی کیفری روشن شود؛ جدا از این دو، بازیگران دیگری نیز تاثیرگذارند که به طور ویژه می‌توان بربزه دیده و دادگاه تصمیم گیرنده انگشت نهاد.

۱- دادستان

چانه‌زنی در اتهام، یک توافق در پرونده‌های کیفری اســـت که طرفین این توافق، دادستان و متهم هستند که بر سر حل پرونده علیه متهم سازش می‌کنند. دادستان مهم ترین مقام در نظام عدالت کیفری در مرحله پیش دادرسی است که در تصمیم برای نســـبت دادن اتهام از وی انتظار می‌رود که به طیف گسترده‌ای از عوامل توجه کند؛ از جمله کفایت دلایل، میزان آســـیب‌های ناشی از جرم، تناسب مجازات مجاز درخصوص جرم خاص یا مجرم، همکاری متهم در دستگیری یا محکومیت دیگران و هزینه دادرسی در نظام عدالت کیفری.

افزون بر این، دادســـتان به چگونگی برخورد زیان دیده، جلوگیری از ورود ضرر به متهم، قابلیت دسترسی به رویه‌های جای گزین، استفاده از مجازات‌های مدنی و قصد متهم برای همکاری توجـــه می‌کند. با در نظر گرفتن ماهیت پیچیده تصمیم‌گیری دادستان در مرحله پیش‌دادرسی، قائل شدن درجه خاصی از اختیاربرای دادستان به منظور ســـنجش وضعیت متهمان، اسباب تضمین رویکردی انعطاف‌پذیر در راستای پیش برد منافع فرد و جامعه و مدیریت پرونده‌های کیفری را فراهم می‌آورد.

۲- متهم

بازیگر دیگر چانه‌زنی در اتهام، متهم است که در تعیین سرنوشت کیفری خویش نقش می‌یابد. در این معامله، اراده بزه‌کاران به رسمیت شناخته شده، عدالت کیفری از حالت یک ســـویه و تحمیلی آن خارج می‌شـــود؛ بنابراین متهمان نیز در فرایند تصمیم‌گیری در خصوص تعقیب و مجازات خویش امکان مداخله می‌یابند.

از آنجا که بزه کار در فرایند رسمی عدالت کیفری نقشی منفعل دارد و عدالت کیفری سنتی با هدف اصلی سزادهی نتوانسته است از افزایش نرخ بزه کاری جلوگیری کند، اندیشه نوین عدالت کیفری به جای آنکه بزه کار را صرفا سزاوار کیفر متناسب با شدت جرم دانسته، مجازاتی تحمیلی و نقشی منفعل برای وی در نظر بگیرد، به دنبال یافتن دیدگاهی است که در آن نقش بزه کار فعال شده، فرصتی به او داده شود تا به دلایل انجام بزه کاریش توجه شود و از این رهگذر با پذیرش مجرمیت خود و اظهار پشیمانی، زمینه گفتگو با دادستان فراهم شود و به عدالت توافقی دست یابند که این عدالت به دور از رنج‌های دادرسی است. متهم می‌تواند با پذیرفتن پیش نهاد دادستان مبنی بر پذیرش مجرمیت، با دیدی واقع‌بینانه و امکان سنجش سود و زیان خویش، از تخفیف در مجازات برخوردار شود.

۳- دادگاه

چانه‌زنی در اتهام، یک موافقت‌نامه حل و فصل میان متهم و دادستان به نمایندگی از جامعه است که تا حدودی شبیه حل و فصل پرونده‌های مدنی است، ولی این توافق برخلاف بسیاری از حل و فصل‌های مدنی، باید از سوی دادگاه تأیید شود. بنابراین دادگاه شرایط معامله و اجرای حکم را تأیید می‌کند و می‌تواند با توجه به استدلال‌های خود معامله اتهامی را رد کند. با این حال، معمولا دادستان‌ها می‌توانندخودشان ترتیب معاملات و مذاکرات را بدهند و این اعتماد را داشته باشند که دادگاه آن را تایید خواهد کرد. دیگر اینکه قضات از متهمان پرس‌و جو می‌کنند تا اطمینان حاصل کنند که چانه‌زنی در اتهام، به صورت آگاهانه و هوش مندانه صورت گرفته است.

(Alschuler, 1976, p. 7-8)

قرارداد یا توافق، هر چند در عنوان چانه‌زنی در اتهام نهفته است، ولی از جهت چه گونگی و شرایط، این یک قرارداد راستین نیست تا پس از ایجاب و قبول دارای پیامدهای حقوقی باشد، بلکه درست آن است که گفته شود «چانه‌زنی در اتهام یک رفتار شبه قراردادی است که میان دادستان و متهم یا وکیل وی پدید می‌آید و طبق روال باید از سوی دادگاه تأیید شود. در این میان یکی از وظیفه‌های اصلی دادگاه در

بررســـی اتهام این است که پذیرش بزه از سوی متهم، خود خواسته و آگاهانه باشد وگرنه دادگاه به پذیرش اتهامی که در پی تهدید یا گمراهی یا توافق نابرابر باشـــد، پروا نمی‌کند» (Snyman, 2000, p. 194)

همچنین، دادگاه باید متهـــم را از عواقب احتمالی پذیرش مجرمیت و اعتراف به جرم خودش آگاه ســـازد و روشـــن کند که مبنایی واقعی برای اعتراف وجود دارد. افزون بر ایـــن، دادگاه باید اطمینان حاصل کند که ایـــن اعتراف، داوطلبانه بوده و نتیجه اجبار، تهدید و یا وعده‌های خارج از توافقنامه نیست. سرانجام اعتراف باید در پرونده ثبت شود. (Chemerinsky & Levenson, 2008, p, 166)

هر چند نظر مخالفی در این زمینه وجود دارد که هیچ نقشی برای دادگاه در تایید کردن یا نکردن قرارداد منعقد شده میان دادستان و متهم قائل نیست، اما این نظر چندان قابل توجیه به نظر نمی‌رسد.

چانه زنی در اتهام، ســـبب سازش و حل اختلاف میان دادستان و متهم می‌شود و از ســـوی دیگر، به این نکته تاکید دارد که دادگاه مجبور و محدود به بســـتن چنین توافقنامه‌ای نیســـت. از آنجا که چانه‌زنی در اتهام، نه تجویز می‌شـــود و نه ممنوع، دادگاه می‌تواند از اختیار خود برای تلاش در ایجاد سازش و مصالحه طرفین استفاده کند (Rauxlon, 2011, p.7)

اگر دادگاه، معامله اتهامی منعقد شده میان دادستان و متهم را تأیید کند، پذیرش مجرمیـــت به عنوان محکومیت متهم اســـت و وی نمی‌تواند به دلیل همان اتهام‌ها، دوباره محاکمه شود. (The freedictionary.com)

۴- بزه دیده

هـــر چند نمی‌تـــوان بزه‌دیده از جرم را به عنوان یکی از بـــازی گران فعال معامله اتهامـــی معرفی کرد؛ با ایـــن حال، بزه‌دیده هم می‌تواند با درخواســـت ترمیم زیان خویش، شرط‌هایی برای دادستان بگذارد یا با گذشت خود، مهربانی‌هایی را در حق متهم روا دارد.

این دو روی کرد بزه‌دیده در برخورد با پرونده، می‌تواند انجام چانه‌زنی در اتهام را دشـــوار یا آســـان کند. بزه‌دیدگان از جرم، حق دارند پیش از پایان مذاکرات از روند

معامله اتهامی آگاه شوند و حق حضور و صحبت دارند.

در برخی مصادیق، قربانیان جنایات خاص، در خصوص این که آیا اتهام‌ها از طریق معامله اتهام حل شـــود و یا روند یک محاکمـــه را طی کند، حق اظهار نظر دارند و دادگاه موظف اســـت که دیدگاه قربانی یا خانواده وی را در تصمیم‌گیری درخصوص پذیرش و تایید معامله اتهامی در نظر بگیرد. با این حال، در ســـنجش نظر قربانی و منافع خصوصی او، نباید منافع عمومی را نادیده انگاشت و برای وی قدرت جلوگیری از یـــک معامله اتهامی معقول را در نظر گرفت. بنابرایـــن نمی‌توان پرونده‌ای را که امکان حل شدن از طریق چانه‌زنی در اتهام دارد، تنها به علت توجه به نظر بزه‌دیده مجبور به طی مراحل محاکمه کرد. (Michael, 2010, p.30)

گفتار سوم) مزایا و معایب اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی

معامله‌ی اتهامی از جمله تاسیســـات حقوقی ئی اســـت که اجرای آن مخالفان و موافقانی دارد و هر گروه دلایل خاص خود را دارند، با توجه به اســـتدلال دو گروه یاد شده، می‌توان مزایا و معایب این نهاد را به ترتیب بیان کرد:

الف) مزایای اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی

مهم‌ترین مزایای اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی به شرح ذیل است:

۱- کاهش تراکم پرونده‌ها و بارکاری در سطوح مختلف نظام عدالت کیفری

امروزه، افزایش نرخ جرم، باعث افزایش پرونده‌های کیفری و تراکم آنها در دستگاه عدالت کیفری، شده است؛ این وضعیت، نوعی «بحران» برای سیاست‌های جنایی در کشـــورهای مختلف است چرا که در نتیجه آن، نه تنها نظام عدالت کیفری با کندی مواجه شده بلکه آن را با یک انسداد و وقفه تدریجی مواجه کرده است. (ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۵-۱)

یکی از دلایل طرف‌داران الغای نظام کیفری، در حال حاضر، آن است که این نظام که همیشـــه با تراکم پرونده‌ها دســـت و پنجه نرم می‌کند، آثار تخریبی و زیان‌باری برای متهمان و محکومان دارد. (پرادل، ۱۳۷۸، ص ۶)

این بحران، دســـتگاه قضایی را در تمام مراحل رسیدگی، از کشف جرم، تا اجرای حکم در برگرفته و اجرای آن را از کارآیی لازم باز داشته است.

اجرای نهاد معاملـــه‌ای اتهامی، می‌تواند به حل و فصل پرونده‌ها در همان مراحل اولیه رســـیدگی انجامد و از ورود آن‌ها به مراحل بالاتر و تجمع‌شـــان در آن مراحل جلوگیری نماید و بدین وسیله گاهی در جهت کاهش شرایط بحرانی باشد.

۲- خروج از بلاتکلیفی و ایجاد نوعی قطعیت و اطمینان

با توجه به این که امروزه، در اغلب کشورها، نظام «مجازات ثابت» زیر سوال رفته اســـت، قضات حق تعیین مجازات بین حداقل وحداکثر تعیین شده را دارند و از آن جا که گاه فاصله بین حداقل و حداکثر مجازات، بسیار زیاد است، برای مقام تعقیب کننده و متهم دشـــوار اســـت که تشـــخیص دهد عمل متهم درنهایت چه مجازاتی در پی خواهد داشـــت؛ بنابراین هم متهم حاضر اســـت برای خـــروج از بلاتکلیفی و رســـیدن به اطمینان خاطر، از مزایای یک دادرسی عادلانه که ممکن است به برائت یا مجازات سبک‌تر او منتهی شود، بگذرد و هم مقام تعقیب کننده، برای رسیدن به اطمینان، حاضر اســـت احتمال اثبات مجرمیت متهم در دادگاه و مجازات سنگین‌تر او را نادیـــده بگیرد و به معامله‌ی اتهامی روی آورد. در پرتو فرایند چانه‌زنی، متهم و مقام تعقیب کننده از بلاتکلیفی بیرون آمده و به اطمینان خاطر می‌رسند.

۳- صرفه‌جویی در وقت و هزینه‌های نظام عدالت کیفری

بـــرای اجرای یک رســـیدگی کامـــل، زمان، مـــکان و نیروی زیادی لازم اســـت؛ پیچیدگی‌های نظام دادرسی گاه سبب می‌شود افراد با مشکلات جدی مواجه گردند. (موســـوی، ۱۳۸۷، ص ۱۸) چون تشریفات دادرســـی می‌تواند باعث اطاله بی‌اندازه دادرسی و تضییع حقوق طرفین شود.

علاوه بر زمان و مکان، نیروی زیادی نیز برای یک دادرســـی کامل، لازم است اما استفاده از نهاد معامله اتهامی، دادرسی را هر چه سریع‌تر به نتیجه می‌رساند.

از ســـوی دیگر، دوری متهم از خانواده ودرگیـــری او در مراحل مختلف امر قضا، هزینه‌هـــای زیادی بر او، خانواده اش و جامعه، تحمیـــل می‌کند که با خارج کردن ســـریع وی از مراحل مختلف تحقیقات و رسیدگی، از طریق نهاد معامله‌ی اتهامی، می‌توان به این هزینه‌ها پایان داد.

عـــلاوه بر موارد مذکور، اگـــر در پرتو اجراء این نهاد، متهـــم بپذیرد که در مورد

همدســـتان خود به مقامات تعقیب اطلاعات مفیدی را ارائه نماید، کمک زیادی به کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری در امر کشف جرم و تعقیب خواهد شد.

۴- احتمال اصلاح مجرمین غیرحرفه‌ای

نهاد معامله‌ی اتهامی یک نهاد سازشـــی اســـت و مزایای سازش را در خود جای داده اســـت؛ حس همکاری با نظام عدالت کیفری، که به واسطه چانه‌زنی در متهم، ایجاد می‌شود، در مورد مجرمان تازه‌کار می‌تواند ماندگار شود و به عنوان یک عامل کنترل‌کننده درونی از تکرار جرم به توسط آنها، در آینده بکاهد. برای اثبات کارکرد نهاد معامله‌ی اتهامی می‌توان به سرگذشـــت یک مجرم نسبتا حرفه‌ای در امریکا که به «داگ» معروف بود اشاره کرد:

داگ، در جوانـــی عضو گروهگی به نام «مریدان شـــیطان» بود، اما یک بار پس از آن که برای اتهامی به دادگاه کشـــیده شـــد، به پیش نهاد دادستان در مقابل تبرئه از اتهامـــش برای به دام انداختن یـــک متجاوز خطرناک، با پلیس همکاری کرد و او را ظرف ســـه روز تحویل داد؛ این در حالی بود که تلاش پلیس برای دستگیری این متجاوز در طول یک سال کمترین نتیجه‌ای نداده بود. (رابینز، ۱۳۸۸، ص ۴۲)

اما نکته اصلی اینجااســـت که داگ در پی این ماجرا تبدیل به یکی از معروف‌ترین و موفق‌ترین کارآگاهان کشـــور خود شـــد. این تغییر نقش او، از یک عضو مخرب و زیان‌بار به یک همکار شایســـته برای اعاده نظـــم جامعه؛ از نتایج مثبت اجرای نهاد معامله اتهامی می‌باشد که قابل توجه است.

ب) معایب اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی

مهم‌ترین معایب اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی به شرح ذیل است:

۱- نقض حقوق اساسی متهم

می‌دانیم که در راستای اجرای اصل برائت، بار اثبات دعوی یا جرم بر دوش مدعی و حسب مورد، مقام تعقیب کننده است وعدم موفقیت شاکی یا مقام تعقیب کننده، در اثبـــات اتهام، به دلیل فقد دلیل، منجر به صـــدور حکم برائت متهم خواهد بود. (محمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۵)

نهاد معامله‌ی اتهامی، متهم را ناچار می‌سازد که خود، دلیل لازم برای از بین رفتن

برائت خودش را در اختیار مقام تعقیب کننده بگذارد، در حالی که این حق اواســت که از یک دادرســی عادلانه، در یک دادگاه «علنی» برخوردار شود؛ ضمناً در نتیجه اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی ممکن اســت مجرمین مشابه، مجازات‌های متفاوتی را متحمل شوند و این امر، هدف دست‌یابی به برابری در اجرای آیین دادرسی کیفری را با مشکل مواجه خواهدکرد.

همچنین مخالفین نهاد معامله‌ای اتهامی معتقدند، که اقرار به جرم از سوی متهم، در پی فرایند چانه‌زنی، در برخی موارد تحت شــکنجه و فشــار از ســوی نیروهای پلیس، یا مأموران دادســتانی انجام می گیرد و موجب نقض حقوق اساســی متهم است.

۲- نقض اهداف مجازات‌ها و افزایش امکان تکرار جرم

مجازات، به عنوان واکنش اجتماعی علیه بزه‌کاران، سه هدف عمده دارد:

الف) ارعاب (فردی ـ اجتماعی)

ب) اصلاح بزه‌کاران

ج) اجرای عدالت

اجرای مجازات، مجرم را از وارد کردن زیان بیشتر باز می‌دارد. (ارعاب فردی) بدین دلیل که طبق روایتی خاص از نظریه کنترل، «کج‌روی» از فقدان خویشــتن‌داری، نشــات می‌گیرد. یعنی مجرمان، افرادی با خود کنترلی پایین هســتند. (ولدجرج و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۲۹۷-۲۹۰)

عوامل زیادی در ایجاد خود کنترلی در جرم، دخیل هســتند، از جمله این عوامل «مجازات» اســت. مجازات باعث می‌شــود که هر مجرمی، قبل ار ارتکاب جرم، به محاســبه سود و زیان ناشی از جرم بپردازد و اگر زیان ارتکاب جرم را بیشتر از سود آن دید، خود کنترلی داشته باشد و مرتکب آن نشود، چرا که قبلا در نتیجه ارتکاب جرم، مجازات شــده و به اجرای مجازات مطمئن است، اما اگر قطعیت مجازات‌ها به توســط نهادهایی مثل معامله‌ی اتهامی نقض شود، مجازات، این کارایی را از دست می‌دهد. به ویژه، در ارتباط با «ابر بزه کاران» یا «مجرمان خشن» که اقلیتی از بزه کارانند که اکثر جرایم را مرتکب می‌شوند. (گسن، ۱۳۸۸، ص ۲۲۱) این امر، اهمیت

بیشتری می‌یابد.

همین توجیه، در مورد هدف ارعات جمعی مجازات نیز صادق است. عدم قطعیت مجازات به وسیله اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی، این هدف مجازات را نیز با شکست روبه‌رو خواهد کرد.

همچنین، مجازات در صدد اصلاح مجرمین است، از طریق کارکردن روی «عوامل مقاوم» درونی انسان که او را از راه غلط باز می‌دارد، یعنی در پی «به سازی تمایلات ویران‌گر» (اردبیلی، ۱۳۸۶، ص ۹) که در نهاد مجرمین می‌باشد، اما نهاد معامله‌ی اتهامی فرصت اصلاح را از مجرم می‌گیرد، زیرا اجرای آن، یا مانع اجرای مجازات می‌شود یا آن را با تخفیف همراه کرده، کارایی اصلاحی آن را پایین می‌آورد.

از دیگر اهداف مجازات، «اجرای عدالت» است، درد و رنج مجازات از بزه دیده استیفای حق کرده، از جامعه دفاع می‌کند (نظریه سزادهی) (هوارد، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳) چرا که کیفر از لحاظ اخلاقی، ناشی از احساس نیاز بشر به واکنش نسبت به ستم گری است واگر جبران ستم کشی خود را با مجازات ستم گر نبیند، دچار یاس و ناامیدی می‌گردد و احساس بی‌عدالتی می‌کند. رسیدگی از طریق مذاکره و چانه‌زنی، با نتایج تبرئه یا تخفیف مجازات برای مجرم، بزه دیده و جامعه را با احساس بی‌عدالتی مواجه می‌کند و چه بسا باعث بی‌اعتمادی به دستگاه قضایی و تمایل به اقدام برای انتقام شخصی از مجرمین در جامعه شود.

۳- بستگی شدید معامله‌ی اتهامی، به مهارت‌های مذاکره‌کنندگان

ایراد دیگری که به نهاد معامله‌ی اتهامی وارد شده است، آن است که ممکن است، این نهاد به شدت، بستگی به مهارت‌های مذاکره‌کنندگان داشته باشد، به خصوص بسته به نوع جرم و رفتار و سلوک دادستان یا متهم و وکیل او، باید علاوه بر اطلاعات حقوقی، فن مذاکره را نیز فرا گرفته باشند تا بتوانند موفق باشند، ممکن است کسی که جرم مهمی را مرتکب شده است، با مذاکراتی که انجام می‌دهد، از مجازاتی که مستحق آن است، بگریزد.این وضعیت، یادآوری شیوه ناخوش آیند «سوفسطاییان» دریونان قدیم است؛ آنها استادان سخن بودند و می‌توانستند هر مدعایی را به کرسی بنشانند، به طوری که در جهت غلبه بر مخالفین خود، از مقدمات صحیحی شروع

می‌کردند و از آن نتایج مهمل می‌گرفتند. (طالب‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۸)

معایبـــی که برای نهـــاد معامله‌ی اتهامی ذکر شـــده، تا آن جا اســـت که حتی، اندیشـــه‌هایی را در جهت «حذف ایـــن نهاد» مطرح کرده اســـت؛ اما چنین امری به ســـختی ممکن اســـت، چون این نهاد، در سیســـتم حقوقی کشورهایی که آن را پذیرفته‌اند، به یک امر پایدار و ماندنی تبدیل شـــده است و ظرفیت سیستم قضایی، برای این که بخواهد، به هر پرونده جنایی از طریق محاکمه رســـیدگی نماید بسیار محدود اســـت. بنابراین، فقدان این نهاد، در کشورهایی که آن را پذیرفته‌اند، کارآیی دستگاه قضایی را با مشکل مواجه خواهد کرد.

۴-احتمال نقض حقوق بزه‌دیده و بی‌توجهی به نقش و جای او در جریان معامله اتهامی

بنابه یک تعریف، می‌توان گفت: «بزه‌دیده کســـی اســـت که یک خسارت قطعی، آســـیبی بر تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثر افراد جامعه هم به این مساله اذعـــان دارنـــد». زیانی که بزه دیده در جریان ارتکاب بزه از ســـوی بزه کار متحمل می‌شـــود (اعم از مادی یا معنوی) مساله‌ای نیســـت که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت، به همین دلیل است که امروزه «مباحث جدید بزه دیده شناسی معطوف به بررسی مشـــارکت بزه دیده در فرایند عدالت کیفری است، گسترش مباحث عدالت کیفری که بر حقوق بزه‌دیدگان تأکید بیشتری دارد، موجب توجه بیشتر به نقش و اهمیت بزه دیده در نظام‌های عدالت کیفری است.» (شیری، ۱۳۸۸، صص ۴۶۴-۴۴۷) بنابراین امروزه دادرســـی ئی که بی توجه به منافع بزه دیده باشـــد، عادلانه به نظر نمی‌رسد.

این در حالی است که معامله‌ی اتهامی به عنوان یک توافق بین مقام تعقیب کننده و متهم؛ تقریبا هیچ گونه توجهی به حقوق بزه دیده به عنوان یکی از طرفین اصلی پرونده کیفری ندارد ؛ این مســـاله می تواند به عنوان یکی از معایب اصلی این نهاد مطرح باشد.

به نظر می‌رســـد. مخالفت‌های این گونه با نهاد داد و ســـتد اتهامی، ریشه در نوع نگاه منتقدین به شـــیوه‌های جبران خســـارت بزه دیده دارد، بدین معنی که ایراد، در واقع باید ســـاخته و پرداخته کسانی باشـــد که تنها راه تشفی خاطر از بزه دیده

را، در مجـــازات مجـــرم می‌داننـــد؛ در حالی که این، تنها دیدگاه موجود نیســـت و دیدگاه دیگری می‌گوید: «مهم‌ترین دغدغه خاطر بزه دیدگان جرایم، پیش از آن که اجرای مجازات بزه کار باشد، جبران خساراتی است که از رهگذر وقوع جرم متحمل شده‌اند. » (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۹۵)

در واقع، بزه‌دیده‌ای که از او جبران خســـارت می‌شـــود، نسبت به بزه کار، حالت تهاجمی کم‌تری خواهد داشـــت و در برخی از موارد ممکن است که بزه کار را مورد عفو قرار دهد. پس می‌توان با تأکید بر اولویت جبران خســـارت بزه دیده، نهاد داد و ستد اتهامی را بدون نگرانی از نقض حقوق بزه دیده اجراء کرد.

لبه‌ی تیز دیگر این انتقاد به سوی نقض حقوق بزه‌دیده، به خاطر عدم مشارکت او در دادرسی و بی‌توجهی به نظر او در مورد مجازات مجرم است؛ اما در پاسخ به این انتقاد می‌توان گفت، اگر بزه دیده به خاطر تورم کیفری و پیچیدگی‌های دادرســـی در نظام کند عدالت کیفری اصلا به حق خود نرسد یا زمانی به آن برسد که از همه لحاظ، دیر است. برای او بسیار زجرآورخواهد بود. برای رفع چنین مشکلی، می‌توان «جلب رضایت بزه‌دیده» را شـــرط اعتبار یافتن و اجرایی شدن معامله قرار داد و با جبران خسارت کامل بزه‌دیده و توجه به خواست او، نقش وی را به عنوان زیان‌دیده جرم در دادرسی از طریق معامله‌ی اتهامی حفظ کرد.

گفتار چهارم) نمودهایـــی از معامله اتهامی در قوانین موضوعه و نگرانی ناشی از اجرای آن:

گاهی معامله اتهامی که در مرحله دادرســـی و برای تعیین کیفر است، در مرحله دیگر، صحبت از کاهش اتهام نبوده بلکه چانه‌زنی بر سر مجازات است؛ در اینجا مایه اصلی چانه‌زنی در اتهام بر پذیرش بزه کاری از ســـوی متهم است و در نظام کیفری ایـــران پذیرش بزه کاری بـــا توبه همانندی دارد. از دیدگاه حقوق جزای اســـلامی، مجازاتی که برای جرم توبه‌کننده در نظر گرفته می‌شود، با تخفیف یا عفو همراه است.

این حالت، یک تأســـیس حقوقی در حقوق جزای اسلامی است که بی‌شباهت به چانه‌زنی در اتهام نیســـت؛ به ویژه در جایی مانند زنا که با اقرار ثابت شـــود و زانی پـــس از محکومیت توبه کند، که در این حال اختیـــار دادرس در عفو زانی یا کیفر

دادن وی، زمینه‌ای برای سازش میان زانی توبه کار و دادرس است. با این حال، این سازش پس از محکومیت است نه پیش از آن. زیرا پیش از آن، توبه حسب مورد اثری از اتهام باقی نمی‌گذارد تا سازش برپایه آن معنا داشته باشد.

در سازش میان قاتل و صاحب خون، در گزینش یکی از دو ضمانت اجرای قصاص یا دیه، اثری از اتهام نیست تا با چانه‌زنی در اتهام، پیوند برقرار کند، زیرا این سازش پس از محکومیت قطعی به قتل عمد معنا دارد وگرنه تا پیش از محکومیت، قاتل هنور به قصاص محکوم نشده است تا برای صاحب خون حق قصاص و برای قاتل حق پذیرش دیه پیش آید.

یکی دیگر از مصادیق معامله اتهامی در حقوق ایران صدور قرار تعلیق تعقیب درخصوص جرایم تعزیری درجات شش، هفت و هشت تعزیری است. درخصوص حدود، صدور قرار تعلیق تعقیب امکان‌پذیر نمی‌باشد زیرا اجرای حدود الهی را نمی‌توان به تاخیر انداخت یا تعقیب آنرا معلق کرد. همچنین در قلمرو قصاص و دیه نیز صدور قرار تعلیق تعقیب ممکن نیست، زیرا براساس صدر ماده ۸۱، از جمله شرایط لازم برای صدور قرار تعلیق، این است که شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد یا خسارت وارد شده جبران گردد و یا با موافقت بزه‌دیده ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود.

بنابراین می‌توان گفت که قانون‌گذار ایران تعلیق تعقیب را در جرائم کم اهمیت پذیرفته است، زیرا در زمینه جرایم جنایی، مصلحت اقتضاء دارد که تحت تعقیب قرار گیرد و به دلیل اهمیت، قاعده آمره حقوق کیفری در خصوص این گونه از جرایم اجراء شود.

از آنجا که نهاد معامله اتهامی نیز همچون قرار تعلیق، تعقیب نهادی است در مرحله پیش دادرسی که به تدریج با افزایش اختیار استفاده از آن به وجود آمده است، علاوه بر افزایش اختیارات دادستان در قرار تعلیق تعقیب دعوای کیفری که با نهاد معامله اتهامی همانندی می‌کند، می‌توان گفت اصلی‌ترین ماهیت نهاد معامله اتهامی، اقرار و پذیرش مجرمیت و به گونه‌ای توافق با متهم برای فراهم آوردن بستری است که در آن متهم نیز در تعیین سرنوشت کیفری خویش نقش فعالی

می‌یابـــد که از این منظر هم، با ماهیـــت قرار تعلیق تعقیب دعوای کیفری که همانا اقرار متهم و پذیرش بزهکاری وی است، همانندی دارد.

یکی از شـــرایط مهم صدور قرار تعلیق تعقیب، هم در مقررات پیشـــین و هم در قانون آیین دادرسی کیفری کنونی، نداشتن سابقه کیفری موثر است، زیرا مجرمان دارای محکومت کیفری موثر به دلیل وجود حالت خطرناک، شایسته برخورداری از روی کرد انعطاف‌گرایانه دستگاه عدالت قضایی نیستند.

یکی دیگر از شـــرایطی که در ماده ۸۱ به آن توجه شـــده، جلب نظر بزه‌دیدگان است و باعث تقویت این نگرش شده است که جز بزه کار، بزه‌دیده نیز در صدور این قرار ســـهم بســـزایی دارد؛ در نتیجه دو روی کرد بزه دیده محور و بزه کار محور، در این قرار به گونه سازگاری در هم آمیخته‌است. قانون گذار در مجازات های تعزیری درجات هفت و هشت موضوع ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرســـی کیفری ۱۳۹۴، تا حدودی سعی کرده است، معامله اتهامی را اعمال کند؛ گرچه در عمل با مشـــکلاتی مواجه گردیده اســـت. به عنوان مثال در ماده ۱۹۵ قانون مذکور:

اولا- تخفیف در مورد همه جرایم نیست و فقط جرایم تعزیری را دربرمی‌گیرد.

ثانیا- قواعد مربوط به تخفیف مجازات شـــامل همه جرایم نمی‌شود. در حالی که بازپرس مکلف به دادن چنین وعده‌ای است.

ثالثا- واژه «مؤثر» در برابر همکاری مؤثر، واضح و مشـــخص نیست! تا شناسایی یا دســـت گیری یا صدور یا اجرای رای و نهایتا تشـــخیص موثر بودن با دادگاه است نه بازپرس.

رابعا- در این ماده پیش‌بینی نشـــده اســـت که اگر براساس این ارشاد بازپرس، متهم اقرار کرد، در کیفیت تنظیم کیفرخواست، اقرار موصوف لحاظ گردد.

خامسا- به نوعی اصل برائت تحت‌الشعاع اماره مجرمیت قرار گرفته است.

سادســـا- در زمینه تاثیـــر احتمالی اقرار، عبارت «اعلام» به کار رفته اســـت نه «تفهیم»؛ از این رو متهم شـــاید به نوعی اغفال شود و در مورد جرمی اقرار کند که تخفیفی درمورد آن لحاظ نشده باشد.

اصلی‌ترین مشـــکلاتی که برای اجرای نهاد معاملـــه اتهامی در حقوق ایران وجود دارد و راه حل‌هـــای موجود برای حل این مشـــکلات را، می‌توان به این ترتیب بیان کرد:

الف) تخصیص قدرت تصمیم‌گیری در میـــزان مجازات‌ها به قضات محاکم در حقوق ایران

در اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

«حکـــم به مجازات و اجرای آن، باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

با توجه به رســـمیت دین اسلام در قانون اساســـی ایران، دادگاه اسلامی، باید بر طبق موازین اسلامی تشکیل شود و با توجه به اهمیت امر قضاء در اسلام، در دادگاه اســـلامی، امر قضاوت به عهده قاضی واجد شـــرایط است و فقط او می‌تواند در مورد میـــزان مجازات‌ها تصمیم بگیرد، با توجه به این امر، چه گونه می‌توانیم نهاد معامله اتهامی را در مرحله پلیســـی یا دادســـرا اجراء کرده و به پلیس یا دادستان، اختیار تصمیم‌گیری در کاهش مجازات متهم یا تبرئه او را اعطاء کنیم؟

در پاسخ می‌توان دو نظر را بیان کرد:

۱- نهاد معامله‌ی اتهامی، یک تاســـیس سازشـــی است؛ اگر آن را صلح و سازشی بیـــن متهم و بزه دیده بدانیم؛ بـــدون دخالت در حوزه کاری قضات، می‌توانیم آن را اجراء کنیم. بدین شـــکل که بزه‌دیده، عضوی از جامعه است و مقام تعقیب کننده اعم از پلیس، دادســـتان و... نماینده‌ای از سوی جامعه، و در نتیجه نماینده بزه دیده هم هســـت و توافق بین او و متهم، به طور غیرمستقیم صلح و سازشی بین متهم و بزه‌دیده است و اجرای آنچه طرفین در نتیجه صلح و سازش، بر آن توافق می‌کنند؛ مغایرتی با حق تعیین مجازات از ســـوی قضات نـــدارد؛ همان طور که تراضی قاتل و اولیای دم بر ســـر مقدار دیه مقتول و موارد دیگری که در این زمینه وجود دارد، مغایرتی با این حق ندارد.

۲- می‌تـــوان برای اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی، شـــرط، «تاییـــد قاضی» را برای لازم‌الاجراء شدن این معامله قرارداد و نظر قاضی را در تخفیف یا معافیت از مجازات

جویا شـــد. همان طور که در برخی کشورها، به همین شـــیوه عمل می‌شود. مانند کشور ایتالیا و برخی از ایالت‌های امریکای شمالی.

بـــه این ترتیب تخفیف مجـــازات یا معافیت متهم از کیفر، بـــا نظر قاضی صورت خواهد گرفت و اشکال یاد شده را نخواهد داشت، اگرچه این امر از سرعت رسیدگی به شیوه چانه‌زنی تا حدودی می‌کاهد ولی بهتر از فقدانش به طور کلی است.

ب) میل شدید به قانون گریزی در جامعه ایران

از نظر جامعه‌شناســـان (محقق دامـــاد، ۱۳۸۹، ص ۱) جامعه ایران دارای مردمی با عادت قانون‌گریزی اســـت، اغلب تحقیقات و نظرســـنجی ها، نشان می‌دهد که در ایران، تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه وجود ندارد.

بنابراین، در جامعه ایران، به خاطر ضمانت اجرای قانونی، قانون را رعایت می‌کنند و اگر این ضمانت اجراء، تضعیف شود، افراد هیچ دلیلی برای رعایت قانون نخواهند داشـــت؛ بنابراین هر نوع نهادی که مثل معامله اتهامی، قطعیت مجازات را متزلزل کند، به رشد قانون‌گریزی کمک می‌کند.

در حالـــی که راه مقابله با قانون‌گریزی، در تشـــدید مجازات و خشـــونت کیفری نیســـت؛ اگر بخواهیم به این طریق قانون‌گریزی را چاره کنیم باید با نهادهایی مثل «تخفیـــف مجازات»، «معاذیر قانونی»، «آزادی مشـــروط»، «تعلیق مجازات» و هر نهـــاد دیگری که قطعیت مجازات را متزلزل می‌کند مخالفت کنیم؛ که چنین امری ممکن نیست.

راه کار مبارزه با قانون‌گریزی را باید در اموری مثل نقش مراکز نظارت و بازرسی، جستجو کرد نه در سخت‌گیری‌های بی‌رویه کیفری.

در ضمن می‌توان امکان درخواســـت چانه‌زنی را محدود به متهمین بدون ســـابقه یـــا حداکثر متهمینی که برای بار دوم مرتکب جرم شـــده‌اند، محدود کرد و بر این مشکل غلبه نمود.

ج) امکان سوءاستفاده پلیس

زمانـــی مزیت اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی، به اوج می‌رســـد کـــه از مراحل اولیه رســـیدگی، یعنی از مرحله تحقیقات پلیســـی شروع شـــود؛ اما این امر به اختیارات

پلیس خواهد افزود؛ با توجه به این مهم، سوال این است که آیا دادن چنین اختیاری به پلیس ایران، می‌تواند به مصلحت جامعه ایران باشد؟

متاسفانه باید به این حقیقت تلخ اذعان کرد که در ایران، برخلاف نظام‌های دیگر، که «پلیس صرفا مجری قانون است نه واضع یا حتی مفسر آن» (غرایاق زندی، ۱۳۸۸، ص ۲۲)، برخی از مأموران پلیس، خود را، هم واضع، هم مفسر و هم مجری قانون می‌دانند و به تعبیر ساده‌تر، از اختیارات و قدرت خود سوء استفاده می‌کنند؛ این امر را در بدرفتاری برخی از مامورین پلیس با شهروندان عادی می‌توان به وضوح مشاهده کرد.

وقتی برخورد با غیرمتهمین صحیح نباشد، برخورد با متهمین به مراتب بدتر خواهد بود. دلیل اصلی، آن است که پلیس ایران در شرایط فعلی فاقد تخصص لازم در برخورد با متهمین و غیرمتهمین است.

باید توجه داشت که «مأموریت‌های بسیار متنوع و بسیار گسترده، در قالب یک پلیس عمومی و متکی به سلیقه و تجربه صرف نمی‌گنجد لذا نگاه کارشناسانه و محققانه در نظر و رفتار حرفه‌ای ـ تخصصی در عمل لازمه آن است.» (پورمؤذن، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶) بنابراین دادن اختیار معامله پلیس با متهم، در شرایط فعلی به مصلحت به نظر نمی‌رسد و می‌تواند به سوء استفاده پلیس و گرفتن رشوه از سوی برخی ماموران منجر شود و این امر شکست اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی در مرحله پلیسی را سبب می‌شود. این در حالی است که در کشورهایی مثل انگلیس، که نهاد معامله اتهامی از مرحله پلیسی آغاز می‌شود، پلیس یکی از مهم‌ترین موسسات است و دارای لباس، کلاه وهیات مخصوصی است؛ جدی و مهربان و وظیفه‌شناس و در خدمت مردم است.

در سال‌های قرن ۲۰، پلیس انگلستان در سراسر جهان، از صورت افسانه‌ای فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. پلیس انگلستان خونسرد، مودب، و مرتب است و جز در موارد ضروری به اسلحه متوسل نمی‌شود و مردم او را بی‌سلاح می‌پسندند و می‌بینند.

پلیس انگلیس وقتی خوشحال است که بتواند انجام وظیفه کند. چنین پلیسی

از اختیارات خود سوء استفاده نمی‌کند؛ بنابراین قبل از اجرای معامله‌ی اتهامی در مرحله پلیسی درایران، باید پلیس ایران را تخصصی‌تر کنیم.

مبحث دوم: معامله اتهامی در حقوق انگلیس و امریکا

درخصوص خاستگاه نهاد معامله‌ی اتهامی، در میان نظام های بزرگ حقوقی، بدون هیچ تردیدی باید از نظام حقوقی «کامن لا» نام برد؛ یعنی کشورهای تابع نظام کامن‌لا، که نظام حقوقی آنها، نسبت به نظام حقوقی کشورهای تابع نظام رومی ـ ژرمنی، از انعطاف بیشتری، برخوردار است، در این زمینه، پیش قدم بوده‌اند.

بنابراین در شروع اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی از نظام حقوقی کامن لا، تردیدی وجود ندارد اما در این که، کدامیک از کشورهای تابع این نظام، برای اولین بار، این نهاد را در دادرسی‌های خود به کار گرفتند، اختلاف نظر وجود دارد. گروهی خاستگاه این نهاد را کشور انگلستان و گروهی دیگر، خاستگاه اولیه اش را ایالات متحده امریکا می‌دانند.

با توجه به این که، نظام حقوقی کامن لا، در انگلستان شکل گرفته است. (شیروی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴) می توان منشاء بسیاری از نهادهای حقوقی خاص این نظام را نیز در انگلستان دانست؛ همچنین با توجه به این که انگلستان، چهار قرن تحت سیطره امپراطوری روم بود (از قرن ۸ تا ۱۱) و دراین چهار قرن، اختلافات براساس عرف‌های محلی مطابق با اصول و قواعد فئودالی حل و فصل می‌شد و اختلافات بین قبایل به سازش بین آنها می‌انجامید، می‌توان این سازش‌ها را مبنایی برای سازش بین مقام تعقیب کننده و متهم در آینده و شکل‌گیری نهاد معامله‌ی اتهامی، دانست.

اما در مقابل، می‌توان شروع نهاد معامله‌ی اتهامی را، از کشور ایالات متحده آمریکا، دانست، به دلیل این که، این کشور قبل از ورود اروپاییان به آمریکا، دارای ساکنان بومی مثل سرخ‌پوستان بود، که آداب و رسوم و فرهنگ عمومی حقوقی ـ قضایی خاص خود را برای حل و فصل اختلافات میان خود داشتند. روش آنها، یک روش «غیرقضایی» (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، دانشنامه جرم شناسی،

ص ۲۱۸) مبتنی بر سازش بود که مورد توجه ساکنان جدید اروپایی امریکا قرار گرفت و مبنایی برای ایجاد نهادهای سازشی مثل نهاد معامله‌ی اتهامی در حقوق این کشور شد.

زمان شروع اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی را قبل از نیمه قرن ۱۹ میلادی دانسته‌اند، اما قبل از قرن نوزدهم، چیزهایی شبیه چانه‌زنی، در تمام موارد تعقیب، که جنبه فوری و اضطراری داشته، مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در امریکا، «جورج فیشر» می‌گوید، این مسأله را می‌توان در هر زمانی از ظهور دادستان عمومی، ردیابی کرد و دادستان عمومی، منحصر به ایالات متحده نمی‌شده است و قبلا به صورت گسترده‌تری در جاهای دیگر، بوده است. چنان که می‌توان توجه به این روش دادرسی را در قرن ۱۳ میلادی در کشورهای فرانسه و اسپانیا نیز یافت. اما به دلیل عدم استمرار این روش در این کشورها و مشخص نبودن شکل دقیق آن، نمی‌توان آن‌ها را به عنوان خاستگاه روش مذکور معرفی کرد.

به طور کلی، میزان استفاده از نهاد معامله‌ی اتهامی، قبل از قرن ۱۸، به دلیل سیطره قاضی‌ها، در صدور احکام مجازات بسیار نادر بوده است. در اواسط این قرن و پس از آن بود که به دنبال پدیده «صنعتی شدن» جوامع و افزایش نرخ جرم و تراکم پرونده‌ها و لزوم حل و فصل سریع‌تر دعاوی، استفاده از این روش ظهور بیشتری یافت. بدین شکل که بر اثر کثرت، تراکم وبازتاب اجتماعی پرونده‌های جراحات و مصدومیت‌های وارد بر کارگران، در مراکز صنعتی، قضات، مجبور به پذیرش و احترام به معامله‌ای بودند که مورد قبول طرفین قرار گرفته بود.

باتوجه به این که استفاده از نهاد داد و ستد اتهامی پیش از قرن ۱۹ ـ به طور نادر ـ در آمریکا وجود داشته است و در حالی که حقوق‌دانان انگلیسی ادعا می‌کنند چیزی از معامله اتهامی در قرن ۱۸ در انگلیس نیافته‌اند، می‌توان گفت داد و ستد اتهامی به شکل فعلی آن، اولین بار، از کشور آمریکا شروع شده است.

امروزه استفاده از نهاد معامله‌ی اتهامی، در شکل بسیار گسترده‌ای مطرح است، به طوری که تحقیقات نشان داده است بیش از ۹۰ درصد از پرونده‌های جزایی، در

آمریکا، به شیوه معامله‌ی اتهامی حل و فصل می‌شود.

به این ترتیب، رویه معامله‌ی اتهامی در کنار رویه «معامله مجرمیت» که شـــورای اروپا به آن، به عنوان شکلی از ساده‌سازی آیین دادرسی عادی اشاره می‌کند، توسعه یافت. به طوری که امروزه اســـتفاده از این نوع نهادها در کشـــورهای مختلف تابع نظام‌های حقوقی غیر کامن لا نیز گسترش یافته است.

در حقوق انگلیس برمبنای معامله اتهامی که توافق بین دادســـتان و متهم است، متهم دفاع بی‌گناهی را به اعتراف به جرم تغییر می‌دهد و به پیش نهاد دادستان در مجازات او تخفیف داده می‌شود؛ به عبارت دیگر در صورتی که متهم متقاعد شده و اقرار به جرم کند، در مقابل از مسوولیت کیفری خفیف‌تری برخوردار خواهد شد که پیش نهاد آن به دادگاه، با دادستان در کیفرخواست است، مثلا سرقت مسلحانه او، به ســـرقت ساده یا تجاوز به عنف او، به عمل منافی عفت تبدیل می‌شود.» (خزانی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰) حتی ممکن اســـت از تعقیب ســـایر اتهامات او صرفنظر شـــود و کیفرخواست صادر نشود.

همچنین در حقوق این کشور «با هدف تسریع در رسیدگی کیفری از سال‌های قبـــل، روش اقرار مجرمیـــت را به مرحله اجرا ء گزارده اســـت. اعمال این روش بســـتگی به تصمیم متهـــم دارد، با این توضیح که متهم خـــود را مجرم بداند یا خیر، در صورتی که اعتراف به جرم کند، دادســـتان نیازی به ارایه و اثبات دلیل در دادگاه نـــدارد و دادگاه نیز از یک مرحله تکمیـــل تحقیقات خلاصی می‌یابد و بلافاصلـــه تعیین مجـــازات خواهد کرد و به لحاظ اعتـــراف متهم به مجرمیت، مجـــازات قانونی او را تخفیف خواهد داد. به ســـخن دیگـــر، دادگاه باید اعتراف متهم و اوضاع و شـــرایطی را که در کیفرخواست قید شده است، مورد توجه قرار دهد.

در حقیقت نهاد اعتراف به مجرمیت مکمـــل نهاد دفاع چانه‌زنی (معامله اتهامی) است که با مذاکرات بین دادستان و متهم، شخص اخیر متقاعد می‌گردد که به جرم خود اعتراف کند و متقابلا دادســـتان نیز متعهد می‌شـــود، از تعقیب سایر جرایم او خودداری کند و از دادگاه، تخفیف مجازات متهم را درخواست کند.

گفتار اول) اقسام نهاد معامله‌ی اتهامی

مزایای نهاد معامله‌ی اتهامی در کاهش جمعیت کیفری و رویارویی بیشتر کشورها با مشکل تورم کیفری سبب توجه آنها به نهاد مذکور شد اما از آنجا که هر کشوری با توجه به شرایط خاص خود، برای بومی‌سازی نهاد مذکور ناچار به اعمال تغییراتی در شیوه اجرای آن بود. به این ترتیب انواع مختلفی از معامله‌ی اتهامی وجود دارد که از جنبه‌های مختلف قابل تقسیم‌بندی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) اقسام نهاد معامله‌ی اتهامی به اعتبار نقش متهم در جریان مذاکرات

معامله‌ی اتهامی به اعتبار تعهدی که متهم برعهده می‌گیرد، دارای انواع مختلفی است، این تعهدات می‌تواند اعتراف به جرم و پذیرش مجرمیت از جانب او باشد. این نوع از داد و ستد، بیشترین کاربرد را در سیستم‌های قضایی مختلف دارد و معروف به "Plea Guilty" است. از آنجا که تعهد متهم در این نوع داد و ستد، «اقرار» است و «اقرار» به عنوان یکی از ادله مهم اثبات دعوی، همیشـــه با حساسیت‌های زیادی برای حفظ اعتبار، همراه اســـت، عموم شرایطی که برای عدم اجبار متهم به پذیرش معاملات وجود دارد در مورد "Plea Guilty" با حساســـیت و دقت بیشتری وجود خواهد داشت.

علاوه بر این، تعهد متهم، می‌تواند به شـــکل دیگری غیـــر از اعتراف به جرم و از طریـــق هر نوع همکاری دیگر با نهاد تعقیب مانند معرفی همدســـتان به ویژه «دانه درشـــت‌ها» و همکاری با پلیس برای دســـت‌گیری آن‌ها باشـــد؛ برای مثال در این زمینه می‌توان به سیاســـت واحدهای مبارزه با مواد مخدر در خصوص تمرکز اجرای قانون روی عرضه‌کنندگان مواد مخدر، اشـــاره کـــرد. مدیران بخش‌های مواد مخدر عموما معتقدند که باید از مخبرین حداکثراستفاده را در جهت اجرای سیاست های معاوضه خرده‌پاها با دانه‌درشت‌ها کرد. (نیازپور، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵)

ب) اقسام نهاد معامله‌ی اتهامی به اعتبار نقش مقام تعقیب در جریان مذاکرات

مقامات دادســـرا (یا در برخی موارد پلیس) به عنوان یکی از طرفین اصلی معامله، تعهداتی را در مقابل متهم به عهده می‌گیرند که براساس آن‌ها می‌توان انواع مختلفی از داد و ستد اتهامی را در نظر گرفت:

نوع اول از داد و ستد اتهامی، در صورت همکاری متهم، تعهد مقام تعقیب کننده، «تغییر نوع اتهام» اواست. مثلا اگر اتهام «سرقت جنایی» باشد، مقام تعقیب کننده این اتهام را تغییر داده و «سرقت جنحه‌ای» را به عنوان اتهام متهم ثبت می‌کند.

نوع دوم، تعهد دادستان تغییر نوع اتهام در کیفرخواست نیست، اتهام متهم همان طور که هست ثبت خواهد شد، ولی در صورت همکاری متهم، مجازات مقرر برای او، از حداکثر مجازات‌های مندرج در قانون پایین‌تر است. این نوع داد و ستد که «داد و ستد اتهامی براساس میزان مجازات» نامیده می شود، در آمریکا هنگامی تضمین می‌شود که مقام رسیدگی کننده (قاضی) آن را تأیید نماید.

نوع سوم، در مواردی پیش می‌آید که متهم بیشتر از یک اتهام دارد و تعهد دادستان این است که «[متهم] در صورت اعتراف به جرم؛ درخصوص یک یا چند اتهام، از تعقیب دادستان درخصوص سایر اتهامات و پی گیری آنها در آینده مصون می‌ماند».

پ) اقسام نهاد معامله‌ی اتهامی به اعتبار نقش قاضی در جریان مذاکرات

دخالت قاضی در فرایند داد و ستد اتهامی از یک سیستم حقوقی به سیستم دیگر، بسیار متفاوت است و می‌توان گفت که او یا مثل رویه معمول در سیستم فدرال آمریکا، به کلی از مشارکت در مذاکرات منع شده است یا تأیید و رد نهایی مذاکرات را در اختیار دارد، (مانند آنچه در بیشتر کشورهای حقوق نوشته وجود دارد) یا می‌تواند فعالانه در مذاکرات شرکت کرده و یکی از طرفین اصلی باشد (مثل رویه معمول در آلمان).

در واقع، نظام حقوقی کشورهایی مانند امریکا، قاضی را موظف به پای‌بندی به معامله بین متهم و مقام تعقیب کننده می‌داند و به نظر می‌رسد که همین شکل اصیل نهاد معامله‌ی اتهامی باشد و دخالت دادن قاضی در معامله و یا موکول کردن صحت معامله به تأیید او، شیوه هایی است که کشورها با توجه به شرایط خاصی، خود برای بومی کردن نهاد مذکور در نظام حقوقی خود ابداع کرده‌اند.

ت) اقسام نهاد معامله‌ی اتهامی به اعتبار نوع جرایم و مجرمین مشمول آن

از آنجا که اجرای نهاد معامله‌ی اتهامی در کشورهای مختلف متفاوت است نوع

جرایـــم و مجرمینی که امکان اجـــرای نهاد مذکور در مورد آن‌هـــا وجود دارد، در کشورهای مختلف متفاوت است.

برای نمونه در برخی از کشـــورها مانند آمریـــکا، اجرای نهاد مذکور در مورد همه جرایم و همه پرونده‌های کیفری ممکن اســـت و در برخی دیگر از کشورها که شمار آن‌ها بیشتر است، اجرای آن فقط مختص به برخی جرایم کم اهمیت و مجرمین غیر حرفه‌ای و بدون سابقه کیفری شده است مانند فرانسه و هندوستان.

از یک ســـو، امکان اجـــرای نهاد مذکور در مورد همـــه پرونده‌های کیفری تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تســـریع دادرســـی و کاهش تورم کیفری دارد و از ســـوی دیگر امکان اجرای آن فقط در مورد جرایم کم اهمیت و مجرمین بدون ســـابقه کیفری، محتاطانه‌تر است و احتمال از بین رفتن جنبه ارعابی مجازات و تکرار جرم را کاهش می‌دهد.

گفتار دوم: شیوه اجراء

دادگاه‌ها، عموما معامله اتهامی را که متهم حاضر به ادای شـــهادت علیه شـــخص دیگر می‌باشد پذیرفته‌اند. با این حال برخی از مجرمین علیه چنین شهادتی اعتراض کرده اند. برای نمونه مقامات تعقیب با فرد متهم به قاچاق مواد مخدر (vs v Singleton) در ســـال ۱۹۹۹ در پرونده ای به توافق رســـیدند که در صورت ادای شهادت علیه متهـــم دیگر، از تعداد اتهامات او بکاهند. دادگاه متهم را به توطئه و تبانی در پخش مواد مخدر و پول شـــویی محکوم کرد. وکیل متهم در خلال رســـیدگی در دادگاه و پس از آن در مرحله تجدیدنظر مدعی شـــد کـــه معامله صورت گرفته بین مقامات تعقیب و موکل وی، منجر به پذیرش اتهام رشـــوه به مأمورین یعنی نقض بخش ۱۸ قانون مجازات شد.

استدلال دادگاه تجدیدنظر به این مبنا استوار بود که هنگامی که معامله اتهامی،به توسط دولت فدرال صورت می‌گیرد، دیگر سخن گفتن از اجرای قانون فدرال مبنی بر پرداخت رشوه بی‌معنا است.

در عمل، مقامات تعقیب کننده ملزم نیستند هنگامی که جرایم بسیار سنگین در سطح افکار عمومی باشد ـ مثل تجاوز به عنف و یا در مسایل سیاسی مانند این که یکی از اعضای حزب مورد اتهام قرار می‌گیرد ـ به دلیل اجتناب از متهم شـــدن به

جانبداری، دست به معامله اتهامی بزنند. هنگامی که معامله اتهامی از سوی دادگاه پذیرفته شد، دیگر نمی‌توان متهم را برای همان اتهامات موجود در پرونده منجر به معاملـــه، مجددا مورد محاکمه قرار داد. بـــا وجود این، اگر متهم مفاد توافق را نقض کند، دادســـتان می‌تواند مجددا اورا به عنوان بخشی از معامله علیه A مورد تعقیب قرار دهد.

بـــرای مثال، فرض کنیـــد متهم B اعتراف به جرم نماید امـــا متعاقب آن از ادای شهادت علیه A خودداری کند، اگر متهم B امتناع ورزد، دادستان توافق انجام شده را فســـخ خواهد کرد که در نتیجه، تمامی اتهامات موجود قبل از انجام معامله، علیه متهم به کار گرفته می‌شود.

هیچ الزامی در قانون اساســـی وجود ندارد که مقامات تعقیب کننده را ملزم نماید تمامی ادله اثباتی را پیش از آن که وارد معامله با متهم شوند، ارائه نمایند. هنگامی که دادستان یا متهم، توافق را فسخ کردند، اظهارات صورت گرفته در خلال توافق در محاکمه‌ای که به دنبال آن صورت می‌گیرد، قابل استناد نیست. این قاعده براساس اصل حمایت از حق آزادی گفت‌وگو، طراحی واعمال می‌شـــود و البته اســـتثنائاتی نیز وجود دارد و آن این اســـت که مقام تعقیب کننده می‌تواند از اظهارات متهم در خلال معامله به منظور نقض و رد اعتبار ســـخنان او در جریان رسیدگی در دادگاه استفاده کند.

لازم به ذکر اســـت که برخـــی حوزه‌های قضایی، آگاهـــی قربانی جرم (مجنی علیـــه) از معامله اتهامی را اجبـــاری اعلام کردند. مثلا در ایالـــت ایندیانا، مقام تعقیـــب کننـــده باید قربانی جـــرم را از مذاکرات انجام گرفته، آگاه ســـازد و در صورت حصول توافق فی‌مابین مقام تعقیب کننده و متهم، دادســـتان باید آن را به قربانی جرم ارائه نماید و قربانی جرم می‌تواند در جلســـه پس از رســـیدگی و هنگامی که دادگاه در مرحله تعیین میزان مجازات متهم می‌باشـــد، نظر شخصی خود را بیان کند.

نکتـــه مهم دیگر آن اســـت که مقام تعقیب کننده نمی‌توانـــد دادگاه را مجبور به پذیـــرش معامله اتهامی نماید و صرفا می‌تواند پیش نهاد پذیرش چنین معامله‌ای را

به دادگاه ارائه کند.

مشـــهورترین پرونده مطروحه در دیوان عالی ایالات متحـــده، پرونده کارولینای شـــمالی علیه آلفرد (۱۹۷۰) می‌باشد. در این سال، قانون ایالاتی مقرر می‌داشت که مجازات حبس ابـــد می‌تواند به عنوان جای گزین برای مجازات اعدام به کار گرفته شـــود. با این حال، مجـــازات اعدام حتما باید براســـاس رای هیأت منصفه مبنی بر گناهکار شـــناختن متهم صادر گردد، هر چند هیأت منصفه پیش نهاد تخفیف نیز داده باشد.

آلفـــرد، متهم پرونـــده، به دلیل ارتکاب قتل عمدی درجه یـــک، با مجازات اعدام مواجه شد.او همچنین اصرار بر بی‌گناهی درخصوص کلیه اتهامات وارده داشت. در جریان معامله، متهم به قتل عمدی درجه ۲ با مجازات ۳۰ سال حبس محکوم شد. متهـــم از رای صادره تجدیدنظرخواهی نموده و اظهار داشـــت: به طور غیرارادی و برخلاف قصد خود و صرفا به خاطر ترس از مجازات اعدام، اعتراف نموده است. رای صادره تایید گردید.

با وجود این،دیوان عالی مقرر داشت که معامله اتهامی هنگامی که از روی انتخاب آگاهانه و ارادی و شامل مجازات جای گزین قابل دسترسی برای متهم باشد، اجبار به معنای به کار برده شـــده در اصلاحیه پنجم قانون اساســـی محسوب نمی‌گردد و چون خود اصل مذکور جهت اجتناب از مجازات اعدام وضع شده است (متهم مدعی بـــود که محکومیت وی به مجازات خفیف‌تر، اصلاحیه پنجم قانون اساســـی ایالات متحده را که مقرر می‌دارد؛ هیچ کس در پرونده‌های کیفری مجبور به ادای شهادت علیه خود نیست، نقض کرده است) سرانجام دیوان عالی محکومیت و مجازات متهم را تایید کرد.

اظهارات درخلال اقرار متهم در جریان معامله ضبط خواهد شد و در برخی مواقع روی کاغذ ثبت می‌شود. در جریان رسیدگی، دادگاه از متهم درباره هر قول و قراری که در مورد آن با دادســـتان به توافق رسیده اســـت، پرسش خواهد نمود، به غیر از ســـایر اتهاماتی که در روی نوار ضبط شـــده است؛ در برخی از ایالات، فقط در زمان رسیدگی، اجازه معامله اتهامی داده می‌شود.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

نهاد معامله‌ی اتهامی، به عنوان جزیی از آیین دادرسی کیفری کشورهایی مثل آمریکا و انگلستان، نهادی کارآ ومفید بوده است، اگر چه معایبی نیز برای آن بیان شده و حتی اندیشه‌های حذف آن، مطرح گردیده است؛ اما کدام تاسیس مفید حقوقی را می‌توان نام برد که هیچ عیبی در اجرای آن وجود نداشته باشد؟

معامله اتهامی دو هدف عمده را دنبال می کند : نخست افزایش قطعیت و اطمینان است. در اکثر جرایم، قضات صلاحیت وسیعی در اعمال مجازات‌ها و بین حداقل و حداکثر یا نادیده گرفتن یک وصف مشدده و یا تبرئه، دارند. لذا برای مقام تعقیب کننده و متهم مشکل است پیش بینی کنند که عمل متهم در نهایت چه مجازاتی در پی خواهد داشت.

نتیجه دادرسی در مقابل دادگاه یا دادگاه و هیأت منصفه از نظر پیش‌بینی آسان نیست؛ لذا هم متهم و هم مقام تعقیب‌کننده، خواستار آن هستند که قربانیان معینی را (متهم شانس تبرئه و مقام تعقیب کننده شانس اثبات جرم یا جرایم سنگین‌تر) برای دسترسی به اطمینان خاطر (متهم مجازات جرم اخف و دادستان دستیابی به محکومیت ولو ناچیز) فدا کنند.

دومین هدف معامله اتهامی، آن است که اوقات باارزش دادگاه و از همه مهم‌تر، هزینه دادرسی و اطمینان به اخذ نتیجه را تضمین می کند و قضات با دقت بیشتر به سایر جرایم مهم رسیدگی خواهند کرد.

منتقدین معامله اتهامی اظهار می‌دارند که سه تضمین مهم قانون اساسی نادیده گرفته می‌شود:

۱ـ ملزم نبودن متهم به اقرار به جرم و نقض حق سکوت متهم

۲ـ سوال از شاهد مقابل

۳ـ محاکمه با حضور هیأت منصفه

طرفداران این نهاد بر پایه سه دیدگاه اصلی از معامله اتهامی هواخواهی می‌کنند:

نخست ـ آن که معامله اتهامی یک ابزار مناسب برای سیاست صدور حکم است تا به مجرمانی که به مجرمیت خود اعتراف می‌کنند، پاداش داده شود. آن‌ها چندین

بحث را در حمایت از این موقعیت پیش می‌برند، به ویژه که درخواست برای اقرار به مجرمیت ممکن است پذیرش مسوولیت متهم یا تمایل او برای ورود به یک سیستم تادیبی را به وجود آورد تا در زمان کوتاه‌تر، از متهم اعاده حیثیت شود.

دوم ـ آن‌که معامله اتهامی به عنوان شکلی از اشکال حل اختلافات است که برخی از طرفداران آن، این نهاد را به عنوان مصالحه واقعی و قانونی بر سر اختلافات میان دولت و متهم می‌دانند. آنها خاطرنشان می‌کنند که اگر معامله اتهامی موقعیت متهم و دولت را بهبود نبخشد، دولت یا متهم یا هر دو بر محاکمه اصرار خواهند ورزید.

سوم ـ زمینه‌های اقتصادی یا ضرورت معامله اتهامی است که بر پایه آن، جامعه نمی‌تواند همه متهمان را برای دادگاه و محاکمه آماده سازد؛

به طور کلی چانه‌زنی اتهام زمانی معتبر است که سه مولفه اساسی وجود داشته باشد:

الف) در نتیجه این معامله، فرد از حق خود برای محاکمه در دادگاه چشم‌پوشی می‌کند.

ب) این چشم‌پوشی باید داوطلبانه باشد نه این که دادستان با استفاده از قدرت قانونی خود و با انگیزه به حداکثر رساندن سود حاصل از چانه‌زنی شخص را به اجبار وارد معامله نماید.

پ) برای حمایت از اتهامات عنوان شده علیه متهم که وی اقرار به آن کرده و مجرمیت خویش را پذیرفته است، اساس واقعی وجود داشته باشد؛ زیرا در معامله اتهامی و با اقرار مصلحتی به جرم، احتمال محکومیت یک بی‌گناه وجود دارد و در نتیجه باعث صدور حکم ناعادلانه می‌شود.

نهاد معامله اتهامی را باید در زمره نهادهای سازشی به شمار آورد. در حقوق ایران نهادهای تعلیق، تعقیب، معافیت از کیفر موضوع جرایم تعزیری درجات هفت و هشت و اقرار یا همکاری موثر متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی موضوع ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری، شباهت زیادی با معامله اتهامی دارند.

اما در مورد اجرای این نهاد در حقوق ایران، با توجه به نگرانی‌هایی که در این زمینه وجود دارد، باید گفت اگر این نهاد به طور کامل و با تمام شرایط لازم برای

آن در حقوق ایران اجراء شـــود و صورت تقلیدی صـــرف و ناکارآمد از حقوق غرب را نداشته باشـــد، احتمال موفقیت و استفاده از مزایای فراوان آن زیاد است، اما اگر برگرفتـــه‌ای ناقص از حقوق غرب، بدون داشـــتن ضمانت اجـــراء های لازم و تدابیر اندیشـــمندانه، برای جلوگیری از سوءاستفاده مقامات تعقیب کننده اعم از پلیس و دادستان باشد، نه تنها مفید نیست، بلکه زیان‌های زیادی را به دنبال خواهد داشت.

با توجه به این که دســـتگاه قضایی مـــا در مواجهه با بار کاری و تراکم پرونده‌ها، با بحران روبرواســـت، بهتر اســـت از راه کارهایی که برای کاهش بحران وجود دارد استقبال کنیم؛ اگر چه نگرانی‌هایی برای اجرای این نهاد در کشورمان وجود دارد.

پیشنهاد:

۱ـ پذیرش نهاد داد و ستد اتهامی در نظام حقوقی ایران، در مورد مجرمین بدون سابقه کیفری یا مجرمین کم سابقه و جرایم کم اهمیت.

۲ـ سعی در تدوین نظامنامه اخلاقی پلیس، آموزش هر چه بیشتر پلیس، تخصصی کردن نهاد پلیس و توســـعه آن، ســـپس پذیرش و اجرای نهاد داد و ستد اتهامی در مرحله پلیسی و استفاده از مزایای داد و ستد اتهامی، در پیش‌گیری از ورود بی‌رویه پرونده‌ها به مراحل بالاتر.

۳ـ پیش‌بینی ســـاز و کارهای نظارتی و ضمانـــت اجراءهای قوی، برای جلوگیری از فـــرار مقام تعقیب کننـــده از تعهد حاصله و در مقابل، الزام متهم به پای‌بندی به تعهد خویش.

۴ـ آموزش قضات، درخصوص قراردادی شدن حقوق کیفری و چگونگی برخورداری از راهبرد مذکور از طریق اســـتفاده از نهاد داد و ســـتد اتهامـــی، به عنوان یکی از شیوه‌های این راهبرد.

۵ـ الزامی کردن تشـــکیل پرونده شخصیت برای بزه کاران و اجرای دقیق نهاد داد و ســـتد اتهامی در مورد بزه کاران خاص و مشـــخص کردن دامنه دقیق اجرای نهاد مذکور، برای افزایش گرایش قضات به اجرای این تاســـیس حقوقی و برخورداری از مزایای آن.

۶ـ در نهایت، دقت در انطباق هر چه بیشـــتر نهاد معامله‌ی اتهامی با نظام حقوقی ایران و ویژگی‌های خاص آن و انطباق نهاد مذکور، با شرایط مختلف جامعه ایران و تلاش در جهت بومی‌سازی و رفع موانع موجود در مسیر پذیرش و اجرای آن.

فهرست منابع:

۱- اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، ج۱، چ ۱۸، تهران، ۱۳۸۶

۲- پرادل، ژان، تاریخ اندیشـــه‌های کیفری، انتشارات ســـمت، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج۳، تهران، ۱۳۷۸

۳- پورمؤذن، محمد؛ «بررســـی رابطه نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانواده‌ها»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی نظم و امنیت، دوره جدید، سال دوم، ش۳، تهران، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، پاییز ۸۸

۴- حاجی‌ده‌آبادی، احمد؛ «از جبران خســـارت بزه‌دیده توســـط بزه کار تا جبران خسارت توسط دولت»، فصلنامه فقه و حقوق، سال سوم، ش ۹، تابستان ۱۳۸۵

۵- خزانـــی، منوچهر؛ فرایند کیفری، انتشـــارات گنج دانش، ص ۱۵۰ و نجفی ابرندآبادی، علی حســـین، تقریرات جرم شناسی

۶- رابینز، آنتونی، به سوی کامیابی، موسسه فرهنگی راه بین، مهدی مجدزاده کرمانی، ج۳، چ۲۱، تهران، ۱۳۸۸

۷- زهر، هوارد؛ کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۸

۸- شیروی، عبدالحسین؛ حقوق تطبیقی، انتشارات سمت، ج۲، تهران، ۱۳۸۴

۹- شـــیری، عباس؛ «رفتار کرامت مدارانه با بزه‌دیـــده، اعطای اختیار در مرحله تعقیب و تحقیق» مندرج در مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، زیرنظر علی حســـین نجفی ابرندآبادی، بنیاد حقوقی میزان، ج۱، تهران، ۱۳۸۸

۱۰- طالب‌زاده، حمید؛ فلسفه، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ج۳، تهران، ۱۳۸۲

۱۱- غرایاق زندی، داود؛ «تحـــول کارکردهای پلیس در پرتو نظریه‌های امنیت فرد»، فصلنامه راهبردی، سال ۱۲، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تابستان ۸۸

۱۲- گسن، ریموند؛ جرم شناسی نظری، ترجمه: مهدی کی‌نیا، نشر مجد، ج ۳، تهران، ۱۳۸۸

۱۳- لپز، ژرار و فیلیزولا، ژنیا، بزه دیده و بزده دیده شناسی، انتشارات مجد، ترجمه: روح الدین کرد علیوند و احمد محمدی‌فر، چ ۲، تهران، ۱۳۸۸

۱۴- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه ۴، مرکز نشر علوم اسلامی با بخش جزایی، چ۱۴، ۱۳۸۹

۱۵- محمدی، ابوالحسن؛ مبانی استنباط حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، چ۱۶، ۱۳۸۲

۱۶- مشیری، جمشید؛ فرهنگ اطلس، ج۱، تهران، انتشارات آریان ترجمان، ۱۳۸۶

۱۷- موسوی، سیدمهدی، دادرســـی فوری در نظام حقوقی ایران و انگلیس، انتشارات میزان، چ۱، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۷

۱۸- نجفی، ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید؛ دانشگاه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج۱، تهران

۱۹- نیازپور، امیرحسین؛ توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، انتشارات میزان، ج۱، ۱۳۹۰

۲۰- ولد جرج و دیگران، جرم‌شناسی نظری، ترجمه: علی شجاعی، انتشارات سمت، ج۱۶، ۱۳۸۲